



یکی از راههای شناخت امام حسین (ع) بررسی زیارتنامه هاست

آیت الله جوادی آملی در سومین برنامه از سلسله برنامه های...

آیت الله جوادی آملی در سومین برنامه از سلسله برنامه های "نهضت سیدالشهداء بر مدار عقل و عدل" با اشاره به فرازهایی از زیارت اربعین و زیارت وارث فرمودند: حسین بن علی خون جگر و قلب خود را داد تا مردم را از جهل برهاند و از ضلالت نجات دهد؛ از جهل برهاند و عاقلشان کند، از ضلالت و گمراهی ظلم و ستم برهاند و عادلشان کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در سومین برنامه از سلسله برنامه های "نهضت سیدالشهداء بر مدار عقل و عدل" که به مناسبت ایام محرم الحرام که قبل از اخبار ساعت 21 از شبکه یک سیما پخش می شود با اشاره به فرازهایی از زیارت اربعین و زیارت وارث فرمودند: حسین بن علی خون جگر و قلب خود را داد تا مردم را از جهل برهاند و از ضلالت نجات دهد؛ [1] از جهل برهاند و عاقلشان کند، از ضلالت و گمراهی ظلم و ستم برهاند و عادلشان کند، همان کاری که انبیا به عنوان تعلیم کتاب و حکمت از یک سو و تزکیه نفوس از سوی دیگر داشتند، حسین بن علی (سلام الله علیه) که وارث انبیاست همین کارها را دارد.

متن کامل فرمایشات معظم له در اولین برنامه از "نهضت سیدالشهداء بر مدار عقل و عدل" در ادامه تقدیم علاقمندان می گردد.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

أعظم الله أجورنا و أجوركم بمصابنا بالحسين (عليه السلام) و جعلنا و إياكم من الطالبين لثاره (عليه الصلاة و عليه السلام)

نهضت جهانی سید شهدا حسین بن علی بن ابی طالب (صلوات الله و سلامه علیهما)، چون حق مدار بود و عقل و عدل، پیرو حق هستند؛ لذا به صورت نهضت عقل و عدل مداری بازگو شد. این مطلب را از زیارتنامه های آن حضرت هم در زیارت «اربعین» و هم در بعضی از زیارت هایی که در حرم مطهر آن حضرت خوانده می شود، کاملاً می توان استفاده کرد و آن این است که به خدا عرض می کنیم پروردگارا! حسین بن علی خون جگر و قلب خود را داد تا مردم را از جهل برهاند و از ضلالت نجات دهد؛ [1] از جهل برهاند و عاقلشان کند، از ضلالت و گمراهی ظلم و ستم برهاند و عادلشان کند، همان کاری که انبیا به عنوان تعلیم کتاب و حکمت از یک سو و تزکیه نفوس از سوی دیگر داشتند، حسین بن علی (سلام الله علیه) که وارث انبیاست همین کارها را دارد.

سرّ اینکه آنچه کار انبیاست در نهضت سالار شهیدان (سلام الله علیه) مشهود است، این است که حسین بن علی وارث انبیاست. این زیارت های آن حضرت - همان طوری که در نوبت قبل به عرضتان رسید - تبیین سیره، سربزه و ست سالار شهیدان است که اگر کسی خواست حسین بن علی (سلام الله علیه) را بشناسد، یکی از راه های آن، بررسی این زیارتنامه هاست که ائمه بعدی (علیهم السلام) دستور دادند که زائران از دور یا از نزدیک در اربعین یا اول ماه رجب یا نیمه ماه رجب یا نیمه ماه شعبان، در فرصت های مناسب، در زمان خاص یا در زمین مخصوص آن حضرت را زیارت کنند. بررسی این زیارت ها نشان می دهد که ائمه (علیهم السلام) در صدد تبیین سیره علمی و عملی وجود مبارک سالار شهیدان بودند؛ این زیارت «وارث» همین مطلب را تعیین می کند که می فرماید شما وارث آدم بودید، وارث نوح بودید، وارث ابراهیم خلیل و موسای کلیم و عیسی مسیح (سلام الله علیهم) بودید، وارث وجود مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بودید و همچنین وارث امامان بعدی.

نکته ای درباره ارث به عرضتان برسد تا روشن شود که وارث بودن انسان کامل از انسان کامل به چه معناست. ارث مادی یک فرق جوهری با معاملات دیگر دارد و آن این است که در معاملات دیگر نظیر خرید و فروش و مانند آن مال به جای مال می نشیند؛ یعنی ثمن به جای مثن و مثن به جای ثمن قرار می گیرد، لکن در ارث مالک به جای مالک می نشیند، نه مال به جای مال، این مطلب اول.

مطلب دوم آن است که در ارث مادی تا مورث نمیرد، چیزی به وارث نمی رسد؛ در ارث ملکوتی و معنوی تا وارث نمیرد چیزی از مورث به او نمی رسد که موت ارادی «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» [2] همین مطلب را به همراه دارد؛ اگر وارث به مرگ ارادی مرده است، آن گاه صلاحیت پیدا می کند که به جای مورث بنشیند.

مطلب سوم آن است که در ارث مادی اگر وارث به جای مورث نشست، مورث دیگر مالک چیزی نیست؛ لکن در ارث ملکوتی، وارث که به جای مورث می نشیند، مورث همچنان سر جای خودش محفوظ است؛ یعنی پیامبری که معارف الهی را به امام بعدی ارث داده است معنایش این نیست که امام به جای پیامبر نشسته است و پیامبر فاقد آن ملکات علمی است، بلکه هم آن مورث

«بالفعل» مالک است و هم این وارث؛ سرّش این است که در مجرّادات، تراحمی نیست؛ در مجرّادات، تمنّعی نیست؛ در مجرّادات، جابه‌جایی نیست و مانند آن. بنابراین این جهات فارق بین ارث مادی و معنوی از یک سو، وارث مادی و معنوی از سوی دیگر، مورث مادی و معنوی از سوی سوم، این سه نکته را از فرق بین ارث مادی و معنوی باید در نظر داشت. وجود مبارک حسین بن علی (سلام الله علیه) برابر زیارت «وارث»، وارث همه انبیای گذشته است؛ یعنی آنچه خوبان همه داشتند وجود مبارک حسین بن علی دارد، بدون اینکه چیزی از آنها کم شود، البته خصیصه نبوّت و وحی تشریعی داشتن که مربوط به نبیّ است حساب خاصّ خود را دارد.

مهم‌ترین ارثی که وجود مبارک سیّدالشهداء (سلام الله علیه) از انبیای گذشته دارد، همان مسئله وارث آدم صفی بودن است؛ «صفوة»، برجستگی، طهارت و مانند آن را از ناحیه علم «اسماء» به دست آورده است. برجسته‌ترین نکته آدم (سلام الله علیه) که مورث حسین بن علی (سلام الله علیهما) است، همین است که او از علم «اسماء» طرّفی بسته است و عِلْمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ کُلَّهَا، [3] این «اسماء» که جمع محلا به الف و لام است، اسمای الهی است؛ جهان با اسمای الهی اداره می‌شود. شما در دعاها بی نظیر «سمات»، «ندبه» و در بسیاری از ادعیه دیگر می‌بینید که با فلان اسم خدای سبحان آسمان یا زمین را آفرید یا دریاها را مهار کرد و مانند آن. منظور از این اسم، این الفاظ نیست، یک؛ مفاهیمی که «مدالیل» این «اسماء» هستند نیست، دو؛ مصادیق خارجی که مصداق این «اسماء» می‌باشند، نیستند، سه؛ بلکه حقایقی که مصادیق خارجی مظاهر آن حقایق هستند، آنها «اسماء» هستند و قهراً این الفاظی که ما تلقّظ می‌کنیم «اسم الاسم الاسم» هستند که در مرحله چهارم قرار دارد و از این لفظ کاری ساخته نیست، از این مفهوم کاری ساخته نیست، از مصداق خارجی که مظهر آن حقیقت است به وسیله آن حقیقت کاری ساخته است و در حقیقت کار اصلی برای آن حقیقت است که ظاهر در این مظاهر است و وجود مبارک انسان کامل با آن حقیقت اسم که آن فعلی از افعال الهی است یکسان یا متحد است و مانند آن، البته این اذکار ثواب خاصّ خودش را دارد.

آن تأثیراتی که مربوط به ادعیه و اذکار و امثال آن است آنها را به همراه دارد؛ اما اگر کسی بتواند و بخواهد با یک لفظ یا تصوّر مفهوم لفظ، مُرده‌ای را زنده کند و بگوید من فلان اسم را آشنا هستم، این چنین نیست که جهان با مفهوم اداره شود یا با لفظ اداره شود، بلکه با حقیقت اداره می‌شود که در دعای «سمات» یا در دعای «ندبه» گفته می‌شود که با فلان اسم وجود مبارک موسای کلیم این کار را کرد یا در کوه «طور» این چنین شد یا طوفان نوح آن چنان شد و مانند آن؛ دریاها با آن اسم آرام می‌گیرند، صحراها با فلان اسم آرام می‌گیرند، آسمان‌ها و نظام کهکشان با فلان اسم آرام می‌گیرند که اینها معلوم می‌شود به آن حقایق برتر برمی‌گردد؛ آن حقایق برتر را ذات اقدس الهی به انسان کامل یعنی آدم (سلام الله علیه) تعلیم داد که آن حقیقت را وجود مبارک حسین بن علی (سلام الله علیه) به ارث برده است، او در این بخش وارث آدم است؛ در آن معارف توحیدی معارفی که وجود مبارک نوح آورده است وارث نوح پیامبر است.

این زیارتنامه‌ها را شما یک بار مطالعه کنید؛ غیر از خواندن که ثواب دارد، کسی که بخواهد سیره حسین بن علی، ستّ حسین بن علی و موقعیت حسین بن علی (سلام الله علیهما) را خوب بررسی کند، یکی از بهترین راه‌ها بررسی زیارتنامه‌هاست؛ در بخشی از زیارتنامه‌ها نسبت به اهل بیت مخصوصاً حسین بن علی و شهدا آمده است که شما قیام کردید تا توحید را حفظ کنید؛ این سخن خیلی معنا دارد، توحید را شما احیا کنید نشان می‌دهد که اینها آشنا به اسمای الهی بودند و به این فکر بودند که مسماً را در جامعه به یاد مردم دهند تا مردم از نظر علمی عاقل شوند و از نظر عمل عادل شوند.

«غفر الله لنا و لكم و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته»

[1]. تهذیب الاحکام، ج 6، ص 113؛ «و بَذَلَ مُهْجَتَهُ فَبِکَ لَیَسْتَنْقِذَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَبَرَةَ الضَّلَالَةِ».

[2]. بحارالانوار، ج 69، ص 59.

[3]. سوره بقره، آیه 31.